



● عکس: مریم آل مومن ●

گفت‌وگو با دکتر «سوده مقصودی» عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان

قابلیت‌های فرهنگی و توسعه اقتصادی

با توجه به اهمیت فرهنگ در توسعه اقتصادی و اجتماعی و به دنبال بررسی عوامل بازدارنده فرهنگی در گسترش و توسعه اقتصادی کشورمان و به‌ویژه در استان کرمان، با دکتر سوده مقصودی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. دکتر مقصودی عوامل و متغیرهای فرهنگی همچون ضعف انگیزه، توفیق طلبی، اسطوره گرایی، اصل و نسب، تأکید بر احساسات، ذهنیت گرایی، خشونت، واقعیت‌گرایی و عمل زدگی را به‌عنوان عوامل و ویژگی‌های بارز بازدارنده در طریق توسعه را معین کرده و شرح می‌دهد. او همچنین ظرفیت‌های فرهنگی جامعه استان کرمان و نیز آفات فرهنگی در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی این استان و راه وصول به ارتقاء فرهنگ کار و تلاش را نشان داده است. به مطالعه مشروح این گفت‌وگو دعوت می‌شوید.

به‌طرف تقدیر - منفی - می‌باشد. این مسئله به‌نوبه خود از عوامل اساسی و پر دامنه در تکوین صفات و عادات ملی و تدوین تاریخ می‌باشد.

اسطوره گرایی: اسطوره نوعی از آفرینش ذهنی ابتدایی است. تعبیر و تأویلی است از روند طبیعی و پیش از آن که علمی باشد، جادویی و آئینی است. در واقع عدم تکامل دانش بشری و ناشناختگی پدیده‌ها و اشیای پیرامون، سبب می‌شود که سهم آدمی در زندگی کم انگاشته شود و عمل اجتماعی و طبیعی نسبت به عمل انسان وجه برتر یابد و آن را تابع خویش کند بر همین اساس هر بدعتی خطرناک بوده و افکار عمومی پذیرای تحولی نمی‌باشد.

◆ کشورهای برخاسته از عقب‌ماندگی در ورود به جمع جوامع پیشرفته بر اهمیت فرهنگ به‌عنوان زیربنای توسعه پایدار تأکید دارند. به نظر شما مهم‌ترین عوامل بازدارنده فرهنگی در مسیر توسعه اقتصادی کشورمان چیست؟

ضعف انگیزه توفیق طلبی: یکی از ویژگی‌های بارز ایرانیان اهمیت ندادن به وقت و زمان می‌باشد، به طوری که در طول سال‌ها انجام کارهایی با ساعت کم، استراحت بعد از نهار - بخصوص در تابستان - و جمع شدن در چایخانه‌ها پس از غروب آفتاب و صرف وقت در مکالمات روزانه، جزئی از عادات ایرانیان بوده است. در نزد ایرانیان وقت طلا نبوده و به راحتی و بدون زیان آن را از دست می‌دهند و بعضی‌ها بدون صرف وقت، طلا به دست می‌آورند. در مقابل فقدان انگیزه موفقیت طلبی و اعتماد به نفس، دل‌بستگی به عوامل قهار طبیعت جایگزین شده است که مهم‌ترین تأثیرش انصراف از کار و استعفا از مسئولیت خود و انحراف



برای ملت ایران که همواره در طول تاریخ از ستم زورمندان متأثر بوده و در زیر فشار حکومت‌های مطلقه و خشن، پشت دوتا کرده است، وجود قهرمانان که چنان مظاهر اراده ملی‌اند، همیشه ضروری بوده است. اینان در همه ادوار حیات جامعه بوده‌اند و نقش مؤثری را در حیات سیاسی-اجتماعی ایفا نموده‌اند. همین امر منجر شده که فرهنگ ایرانی با اسطوره و اسطوره‌گرایی عجیب شود که از محاسبه فاصله می‌گیرد.

اصل و نسب: سومین زمینه در بیان ویژگی فرهنگ ایرانی بازگشت به زمان گذشته و پرداختن به تبار است. باید گفت که در جامعه توسعه‌یافته، ذهن افراد به حال و آینده بیش از گذشته توجه دارد؛ درحالی‌که در جوامع توسعه‌نیافته، افراد بیشتر به گذشته علاقه‌مندند و به آن می‌بالند. در میان ایرانیان نظر به گذشته همواره جایگاهی ویژه داشته است.

تأکید بسیار بر احساسات: افراد احساسی نمی‌توانند نسبت به پیرامون خود و آنچه می‌بینند و می‌شنوند بی‌اعتنا باشند و همواره گونه‌ای از پیوند دوستی یا بیزاری نسبت به آن دارند. آن‌ها میل دارند آنچه را که می‌بینند، می‌شنوند و یا حس می‌کنند با دید خود توصیف نمایند و شاید به همین علت است که در تاریخ کشور ما این همه شاعر وجود داشته است. نتیجه منفی این نگرش عدم شکل‌گیری دیدگاه انتقادی می‌باشد که نبود آن به پویایی فرهنگ جامعه لطمه می‌زند.

ذهن‌گرایی: فرهنگ ارتباط شفاهی در جهان سوم و کشورهایی که دارای فرهنگ سیاسی محدود هستند بسیار مرسوم است. در ایران نیز به خاطر سابقه حکومت‌های خودکامه و عدم رشد آگاهی‌های مردم می‌توان به وجود چنین فرهنگی دست یافت. فرهنگی که مبتنی بر ارتباطات شفاهی بوده و قضاوت‌های سریع ارائه می‌دهد و شاید به همین ملاحظه، علم بیان و فن فصاحت آسیایی، پیشرفته است. افراد پس از شنیدن یک شایعه جدید باب میل خود بدون این‌که به دنبال تحقیق درباره صحت آن باشند، آن را به‌عنوان یک حقیقت به دیگران انتقال می‌دهند.

خشونت: خشونت، جای مهمی در سابقه فرهنگ سیاسی ایران اشغال کرده است و یکی از اصول اساسی آن را تشکیل می‌دهد. در گذشته خشونت نه‌تنها در فرهنگ سیاسی، بلکه در تمامی ابعاد زندگی جامعه ایرانی، امری عادی و همگانی به حساب می‌آمد. با نگاهی گذرا به تاریخ ایران زمین، می‌توان به‌سادگی یک سنت دو هزار و پانصد ساله خشونت و سرکوب سلطنتی و قبیله‌ای را دید. بدیهی است که روح و روان استبدادی گذشته، شاخص

خاصی نداشته است. سلسله‌مراتب در تمام شئون و مراحل به مقیاس‌های متنوع و در سطوح مختلف کشوری، ایالتی، شهری، روستایی، خانوادگی، صنفی و حتی علمی و بعدها اداری، فرهنگی و سنتی جاری شده است. در این میان چیزی جز مالکیت و امریت یا خودکامگی و خودرایی از ناحیه زورمند، مقبول و معمول نبوده است.

واقعیت‌گریزی: یکی از شناسه‌های مهم فرهنگ سیاسی ایرانیان، بی‌اعتنایی به واقعیت یا «واقعیت‌گریزی» است. عناصر گوناگون همواره به‌گونه‌ای ناهمگون و به شکل‌های مکانیکی و درهم‌وبرهم در کنار یکدیگر چیده می‌شوند. **عمل‌زدگی:** مطابق این ویژگی مسائل بیشتر از جنبه عملی و بسیار کم از جنبه فکری، درک و پذیرفته می‌شود. نظر به اهمیتی که عمل زندگی نزد ایرانیان دارد، به‌ندرت پیش می‌آید که «اندیشه» و به‌طورکلی اندیشیدن مقدم بر عمل و همچون راهنمای آن، در نظر گرفته شود.



یکی از

شناسه‌های

مهم فرهنگ

سیاسی ایرانیان،

بی‌اعتنایی

به واقعیت

یا «واقعیت

گریزی» است.

عناصر گوناگون

همواره به‌گونه‌ای

ناهمگون و

به شکل‌های

مکانیکی و

درهم‌وبرهم در

کنار یکدیگر چیده

می‌شوند.

◆ **درمورد ظرفیت‌های فرهنگی استان کرمان که می‌تواند کارکردهای تعیین‌کننده‌ای در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی داشته باشد، توضیح بفرمایید؟**

- وجود قابل توجه تحصیل‌کردگان مقطع عالی در استان،
- توسعه فعالیت‌های تحقیقاتی، آموزشی، تفریحی، توریسم و ایران‌گردی،
- بالا بودن تعداد مطبوعات استان و پراکندگی آن‌ها در سطح استان،
- افزایش تعداد کتابخانه‌ها و تعداد مراجعان آن‌ها در طی سال‌های گذشته،
- وجود دانشگاه و مراکز آموزش عالی زیاد در استان.

◆ **آفات فرهنگی فراراه توسعه اقتصادی و اجتماعی استان کرمان را چه می‌دانید؟ تحول و ارتقاء فرهنگی به‌ویژه**

فرهنگ کار و تلاش چگونه میسر است؟

- تمرکز امکانات فرهنگی در مرکز استان و عدم بهره‌مندی اکثر نقاط استان از امکانات موجود؛ زیرا تصور بر این است که زمینه توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی است و وقتی مناطق دورافتاده از امکانات فرهنگی برخوردار نباشند مردم آن مناطق به اهمیت توسعه اقتصادی هم پی نخواهند برد، - مناطق جنوبی استان فاقد امکانات کامل یا مناسب چاپ، سینما و سالن اجرای تئاتر و موسیقی می‌باشند و کمبود کتابخانه در مناطق جنوبی کاملاً حس می‌شود، - تغییرات فرهنگی و جایگزینی سینما با پدیده‌های فرهنگی جدیدتری نظیر دی‌وی‌دی، ماهواره، اینترنت و بازی‌های کامپیوتری، - نرخ پایین عضویت زنان در انجمن‌ها و نهادهای غیردولتی،

- کمبود فرصت شغلی برای تحصیل‌کردگان در استان، - افزایش فاصله طبقاتی بین مردم، - کمبود فضاهای فرهنگی و هنری در بخش اعظم استان، - کاهش فعالیت‌های هنری در نوجوانان، - عدم گرایش مردم به بازدید از مراکز تاریخی، - عدم وجود امکانات فرهنگی و ورزشی مناسب و امکانات فراغتی سالم و باکیفیت در استان، - وضعیت نامطلوب شاخص‌های توسعه در مردم استان مانند خودباوری فرهنگی، عدم تعصب فکری، تمایل به نوآوری و میل به پیشرفت، وقت‌شناسی، عام‌گرایی، رفتارهای مناسب اجتماعی در ترافیک و محیط‌زیست، استقلال، احساس قدرتمندی اجتماعی، - کارگرومی، فرهنگ کار و اخلاق کاری ضعیف، - عدم حق‌خواهی و گذشت از حق شخصی و تساهل و مدارای اجتماعی بیش از حد، - راحت‌طلبی و سستی در کار و تلاش، انفعال و بی‌توجهی به مسائل شهروندی، - بی‌مسئولیتی و ناپایداری در تصمیم‌گیری، - فقدان نشاط اجتماعی، دلسردی و بی‌انگیزگی، - فرهنگ‌گریزی و فاصله گرفتن از لهجه و گویش اصیل خود، - عدم اطمینان به هم در محیط‌های کاری، - سواد رسانه‌ای و دیجیتال پایین، - عدم برنامه‌ریزی و تفکر اقتصادی و سواد اقتصادی پایین. بدون شک برای تجزیه و تحلیل و ارتقای فرهنگ کار در هر سطحی شناخت عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ کار، امری حیاتی است. روابط متقابل میان کار، سرمایه و محیط

اجتماعی سازمان به شکلی که آن‌ها در یک مجموعه کاملاً متوازن و هماهنگ باشند حائز اهمیت است. بهبود فرهنگ کار به این امر بستگی دارد که چگونه عوامل اصلی سیستم اجتماعی - تولیدی مشخص شده و به کار گرفته شوند. اصولاً ارتقای فرهنگ کار تحت تأثیر عوامل متعددی است که در یک‌طرف آن فرهنگ، ساختار اجتماعی، سیاسی، فنی، مدیریتی جامعه و در طرف دیگر آن ساختار طبیعی و اقلیمی وجود دارد. عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ کار عبارت‌اند از: محیط کار مطلوب، نقش نخبگان در ارتقای فرهنگ کار، نقش تشکلهای صنفی در ارتقای فرهنگ کار، نقش خانواده در ارتقای فرهنگ کار، نقش مدیریت در ارتقای فرهنگ کار، انگیزه‌ی پیشرفت کار، قناعت و روحیه تقدیرگرایی ...

◆ **گردشگری فرهنگی در دنیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از جمله ظرفیت‌های بزرگ در تسهیل منابع و توسعه اشتغال پایدار تلقی می‌شود، توسعه گردشگری فرهنگی در استان کرمان را در گرو چه اقداماتی می‌دانید؟**

ابتدایی‌ترین اقدام این است که بتوان مدیران استان را متقاعد کرد که تنها راه‌حل توسعه منطقه در گرو درآمدهای غیرنفتی است که پتانسیل آن در منطقه وجود دارد و همچنین مقایسه وضع استان کرمان با وجود این پتانسیل‌ها با سایر استان‌ها؛ زیرا این مدیران استان هستند که منابع مالی و نیروی انسانی را به این امر اختصاص می‌دهند.

به‌جز این مورد، سایر اقدامات عبارت‌اند از:

- تبلیغات وسیع تورها و مجریان امر گردشگری جهت معرفی این استان و ظرفیت‌هایش به شهروندان و مدیران سایر استان‌ها،

- تقویت زیرساخت‌ها و تأسیسات مورد نیاز توسعه گردشگری فرهنگی در مناطق دارای جاذبه‌های گردشگری استان.

- احیا و مرمت موزه‌ها،

- برپایی نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های استانی و محلی مانند جشن جمع‌آوری خرما و پسته و ... در جامعه،

- تلاش برای معرفی جاذبه‌های گردشگری فرهنگی مانند

آئین‌های سنتی نظیر تعزیه، مراسم چهارشنبه‌سوری، جشن‌های مذهبی زرتشتی و اسلامی، عزاداری‌ها مانند

محرم در سطح استانی، کشوری و بین‌المللی،

- تربیت راهنمای گردشگری،

- تشویق کارآفرینان نمونه استان جهت سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری و معرفی آن‌ها به جوانان کرمان جهت

الگوسازی. ◆◆



بهبود فرهنگ کار

به این امر بستگی

دارد که چگونه

عوامل اصلی

سیستم اجتماعی

- تولیدی مشخص

شده و به کار

گرفته شوند.

اصولاً ارتقای

فرهنگ کار تحت

تأثیر عوامل

متعددی است که

در یک‌طرف آن

فرهنگ، ساختار

اجتماعی،

سیاسی، فنی،

مدیریتی جامعه و

در طرف دیگر آن

ساختار طبیعی

و اقلیمی وجود

دارد.